

آینده پژوهی و سناریوسازی جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

DOR: 20.1001.1.23225580.1400.11.1.7.5

نوع مقاله: پژوهشی

محمد لعل‌علیزاده^۱، محسن دیانت^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷

چکیده

پایان جنگ سرد چتر ابرقدرت‌ها را از سر اروپا و بسیاری از مناطق برداشت. الگوی نفوذ ابرقدرت‌ها تغییر یافت. قدرت‌های منطقه‌ای ابتکار عمل را به دست گرفتند و ادبیات مربوط به قدرت‌های منطقه‌ای رواج یافت. وقوع انقلاب اسلامی، طرح حکومت اسلامی، ایدئولوژی شیعی و به چالش کشیدن گفتمان لیبرالیستی همراه با مولفه‌های دیگر قدرت ملی نظیر ژئوپلتیک، ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح ساخت. با توجه به اهمیت این جایگاه، چه سناریوهایی برای آینده قدرت منطقه‌ای ایران قابل کشف و ارزیابی است. تجسم آینده، کشف و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل قدرت منطقه‌ای ایران با روش آینده پژوهی پیگیری شد. با استفاده از روش سناریوسازی تصویرهای خوش بینانه، بدبینانه و ترکیبی از آینده قدرت منطقه‌ای ایران ترسیم گردید. با تبیین بخش‌های سناریو و شواهد آنها، سناریوی ترکیبی؛ استمرار ایدئولوژی مقاومت و در حین تأکید بر تعامل موردی با غرب به عنوان تصویر نزدیک‌تر به واقعیت آینده جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران محتمل‌تر است. ترسیم سناریوهای قدرت ایران در قالب مبنای نظری مجموعه بخش‌های سناریو (عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران و عدم قطعیت‌ها) و سناریوی ترکیبی بیانگر تداوم قدرت ایران و بازآفرینی هویت انقلابی، پابندی به مقاومت، اصولگرایی و آرمانگرایی واقع‌بین، در کنار تعامل موردی با غرب و تداوم مذاکرات ۲۰۲۱ است.

واژه‌گان کلیدی: قدرت منطقه‌ای، ایران، سناریوسازی، انقلاب اسلامی، مقاومت و اصولگرایی اسلامی.

۱- استادیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m_lalalizadeh@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

قدرت منطقه‌ای به عنوان قدرتمندترین دولت در سطح منطقه دارای ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است: درباره چگونگی شناسایی و اندازه‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای دیدگاه‌های مختلف و شاخص‌هایی متعددی وجود دارد؛ عده‌ای معیارهای کیفی و برخی شاخص‌های کمی و عده‌ای بر ترکیب معیارهای کیفی و کمی تأکید دارند؛ دسته‌بندی‌های کمی و کیفی نیز متفاوت و متنوع است. این‌که چه منابعی یک کشور در منطقه دارد و در مقایسه با کشورهای دیگر جایگاه بهتری دارد؟ در دیدگاهی کلی‌تر برخی پذیرش نقش قدرت منطقه‌ای از سوی دولت‌های منطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای ذی‌نفع در منطقه را ملاک قرار می‌دهند و عده‌ای قدرت منطقه‌ای را مروج و حامی اصول، قواعد و هنجاری منطقه و سیستم بین‌الملل در نظر می‌گیرند، در کنار این نگاه برخی علاوه بر داشتن توانمندی‌های کمی، داشتن ایدئولوژی مشخص و حتی مقاومت در برابر قدرتهای بزرگ را به عنوان ملاک قدرت منطقه‌ای در نظر می‌گیرند. این پژوهش با تکیه بر این نگاه اخیر به استناد شواهد و منابع کتابخانه‌ای معیارهای کمی و جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌سازد و با برشمردن و تبیین ویژگی‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب ایران و نقش انقلاب و ماهیت آن و چالش نظم بین‌الملل را تشریح می‌کند. باتوجه به این مفروض آینده‌جایگاه قدرت جمهوری اسلامی ایران با سناریوی ترکیبی ترسیم می‌گردد. سناریوسازی^۱ به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی^۲، مبنای ترسیم آینده‌های محتمل قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. بخش‌های مختلف سناریو قدرت منطقه‌ای ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد و هدف بررسی سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه و ترکیبی در خصوص آینده‌جایگاه قدرت ایران در منطقه است.

-
1. Scenario Building.
 2. Futures Study.

چارچوب مفهومی و نظری

آینده پژوهی با روش سناریوسازی

آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جمع به آینده، فراروی انسانها قرار می‌دهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰). آینده پژوهی رشته‌ای مستقل است که به شکلی روشمند به مطالعه آینده می‌پردازد. این رشته تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، براساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماییم. آینده پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب است. آینده پژوهی به محققان کمک می‌کند تا تصویرهای خویش از آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علایقشان نسبت به آینده) را محک زده و شفاف نمایند تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد. آینده پژوهی به جوامع و نظام‌ها نیز کمک می‌کند تا تصویرها و اقدام‌های خود را برای آینده بهتر تعریف کنند و با ایجاد تصویرهای مثبت از آینده و طرح ریزی و تصمیم‌گیری براساس این تصویرهای مثبت اقدام کنند.

سناریو سازی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده پژوهی، آینده‌های احتمالی مختلف را برای راهبردنویسان ترسیم می‌کنند. در فرهنگ لغت، سناریو «طرح کلی وضعیت طبیعی حوادث یا طرح کلی وضعیت حوادث مورد انتظار» تعریف شده است (حسینی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). سناریوها شامل تصاویری از آینده‌های محتمل هستند که هدف از به کارگیری آنها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بنابراین، سناریوها با کشف نظام مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرد.

سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی کنند، بلکه به ما کمک می کند چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و درست به تصمیم گیری و مدیریت امور پردازیم (Markridakis & Wheelwright, 1989: 215).

سناریوها به افراد امکان تجسم و انکشاف آینده‌های ممکن را می دهند. در این روش باید دو مساله را در نظر بگیریم: این که در آینده چه احتمالی وجود خواهد داشت؟ و این که در بین احتمالات آینده، کدام احتمال برای ما مطلوب تر است و چه کار کنیم تا احتمالی که برای ما مطلوب تر است اتفاق بیفتد (اساکول، ۱۳۸۴: ۱۲۸). با این نگاه سناریوها متشکل از سه بخش است: عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران تغییرات و عدم قطعیت‌های حساس (شوارتز، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

بنابراین می توان گفت روش برنامه ریزی بر پایه سناریو، روش منظم و منضبط است که از آن برای کشف نیروهای پیشران کلیدی در متن تغییرات شتابان، پیچیدگی‌های فوق العاده و عدم قطعیت‌های متعدد استفاده می شود. در تبیین سناریوها برخی از سه سناریو سخن گفته اند؛ طبق معمول ولی بهتر، بدترین و متفاوت اما بهتر (شوارتز، ۱۳۸۸: ۲). عنوان کلی تر و شاید جامع تر این تقسیم بندی، تبیین سناریوها با عبارات خوش بینانه، بدبینانه و ترکیبی است.

تبیین سناریوها



تبیین منطقه و منطقه گرایی؛ آسیای جنوب غربی

به قول نولت^۱ «صحت در مورد قدرت‌های منطقه‌ای این روزها مد روز است» (نولت، ۱۳۹۳: ۳). اما اهمیت یافتن سطح منطقه و منطقه گرایی به دوران پس از جنگ سرد باز می‌گردد؛ از زمان استعمار زدایی، سطح منطقه‌ای امنیت استقلال و نمود بیشتری در سیاست بین‌الملل یافته و پایان جنگ سرد نیز این فرایند را تشدید کرده است. این ایده طبیعتاً پیامد پایان نظام دو قطبی است. قدرت‌های محلی در نبود رقابت ابرقدرتها که همواره به تمام مناطق تحمیل می‌شود، فضای مانور بیشتری دارند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۵).

از دید بوزان برزیل، مصر، هند، جمهوری اسلامی ایران، عراق، اسرائیل، نیجریه، پاکستان، عربستان سعودی، افریقای جنوبی و ترکیه در شمار قدرتهای منطقه‌ای قرار می‌گیرند. در نگاه وی، قدرت‌های منطقه‌ای ساختار مجتمع امنیتی منطقه‌ای را تعریف و مشخص می‌کنند. توانایی‌های آن‌ها ممکن است قابل ملاحظه باشد، اما محدود به یک منطقه خاص است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶-۸). در واقع قدرت‌های منطقه‌ای نفوذشان بیشتر در سطح منطقه‌ای است.

ایران به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در خاورمیانه و خلیج فارس همواره به دنبال قدرت یابی منطقه‌ای بوده است. با وجود این که در دوران جنگ سرد به دلیل دو قطبی بودن حاکم بر نظام بین‌الملل ایران به شدت متأثر از روابط استراتژیک دو قطب به ویژه متأثر از بلوک غرب بود با انقلاب اسلامی، ایران مسأله قدرت هم‌زمن در چارچوب اتحاد را در قالب امت اسلامی پیگیری کرد. مشکلات داخلی و جنگ تحمیلی و برخورد مداخله‌گرایانه امریکا تحقق اهداف منطقه‌ای ایران را با مشکلاتی مواجه ساخت. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بحث منطقه‌ای مورد توجه جدی قرار گرفت. در این سند منطقه‌ای مورد بحث آسیای جنوب غربی شامل قفقاز، خاورمیانه، آسیای

1. Nolte.

مرکزی و کشورهای همسایه و یک منطقه سیاسی-اقتصادی و فرهنگی تعریف می شود(سند چشم انداز ۲۰ساله ایران)

شاخص‌ها و مفهوم سازی ابعاد قدرت منطقه‌ای

اجماعی درباره تعریف و شاخص‌های قدرت منطقه‌ای وجود ندارد. معمولاً کشورهای قدرت منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شدند که دارای جمعیت زیاد، تولید ناخالص داخلی بالا، سلاح‌های متعارف قوی و در برخی موارد حتی سلاح هسته‌ای باشند. برخی از نویسندگان معتقدند کشوری یک قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود که: ۱. از نظر جغرافیایی بخشی از منطقه تعریف شده باشد؛ ۲. قادر باشد در برابر هر نوع ائتلافی از سایر کشورها در منطقه مقاومت کند؛ ۳. به میزان زیادی در امور منطقه تاثیرگذار باشد؛ ۴. ممکن است یک قدرت بزرگ در سطح جهانی هم باشد(نولت، ۱۳۹۳: ۸).

هرل^۱ معیارهای زیر را برای طبقه بندی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ارائه می‌کند:

۱. ادعای رهبری توسط قدرت حاکم؛ ۲. برخوردار بودن از منابع مادی، سازمانی و ایدئولوژیکی برای تجهیز و بسیج منابع قدرت؛ ۳. شناسایی و پذیرش رهبری توسط دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای؛ نفوذ سیاسی واقعی در منطقه
- نولت معیارهای قدرت منطقه‌ای بودن را در چهار بند خلاصه می‌کند:
۱. یک کشور باید مدعی قدرت منطقه‌ای باشد؛ ۲. مورد شناسایی سایر قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرد؛ ۳. مورد شناسایی دیگر کشورهای منطقه قرار گیرد؛ ۴. مورد شناسایی قدرت‌های جهانی قرار گیرد(نولت، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲).

بنابراین تعیین قدرت منطقه‌ای و شاخص‌های آن کار دشواری است؛ در تعیین این امر علاوه بر محاسبه و مقایسه مولفه‌های قدرت ملی و منزلت و جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها در سطح جهانی، باید اهمیت و اعتبار منطقه مدنظر در سیاست‌های جهانی هم مورد سنجش قرار گیرد. در این راستا است که برخی ترکیب دو مولفه امکانات داخلی و الزامات بین‌المللی را در سنجش قدرت ملی موثر می‌دانند. از این دید هر چه امکانات داخلی (مقدورات) بیشتر باشد، الزامات بین‌المللی را بیشتر تحت تاثیر قرار داده و حتی خود الزامات بین‌المللی به منبعی برای تولید قدرت ملی تبدیل می‌شوند. برعکس این هم صادق است؛ هرچه امکانات داخلی کمتر باشد، قدرت تاثیرگذاری بر الزامات بین‌المللی کمتر و حتی این الزامات به عاملی برای تضعیف قدرت ملی تبدیل می‌شود و بدین ترتیب آن چه جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل تعیین خواهد کرد، ترکیب این دو مولفه است. بر اساس این ترکیب تعیین جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل سه محور باید مدنظر قرار گیرد:

- در محور اول، منزلت کشورها براساس ملاحظات سیاسی - نظامی تعیین می‌شود که براساس آن جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل در پنج شکل کلی نمایان می‌شوند:

۱. ابرقدرت؛ ۲. قدرت بزرگ؛ ۳. قدرت متوسط؛ ۴. قدرت کوچک و ۵. ریز قدرت که هر سطح از قدرت با میزان امکانات داخلی و محدودرات بین‌المللی و توان تاثیرگذاری و ابعاد قدرت متفاوت است.

- در محور دوم منزلت کشورها براساس ملاحظات اقتصادی - تکنولوژیک دسته‌بندی می‌شود که بر این اساس جایگاه کشورها در نظام بین‌المللی در چهار شکل کلی متجلی می‌شود؛ ۱. قدرت‌های مرکزی؛ ۲. شبه مرکز؛ ۳. شبه پیرامون و ۴. پیرامون که هر کدام براساس شاخص‌های علم آفرینی، فن آفرینی و تولید سرمایه باهم متفاوت هستند.

- در محور سوم منزلت کشورها براساس ملاحظات فرهنگی - ارتباطی در چهار شکل کلی متجلی می گردد: ۱. نفوذپذیر ولی غیر متنفذ؛ ۲. نفوذپذیر متنفذ؛ ۳. نفوذ ناپذیر متنفذ و ۴. نفوذناپذیر غیر متنفذ (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۲۳).

یکی از مدل‌های سنجش قدرت ملی که کاربرد زیادی دارد، تعیین عوامل و متغیرهای هشت گانه زیر است:

۱. عوامل اقتصادی؛ ۲. عوامل سرزمینی؛ ۳ عوامل حکومتی؛ ۴. عوامل علمی و فناورانه؛ ۵. عوامل اجتماعی؛ ۶. عوامل فرهنگی؛ ۷. عوامل نظامی؛ ۸ عوامل فرامرزی (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).
فلمس^۱ نیز شاخص‌های زیر را برای قدرت منطقه ای برمی شمارد: ۱. ادعا؛ ۲. پتانسیل؛ ۳. اقدامات؛ ۴. پذیرش؛ ۵. نفوذ (سمیعی اصفهانی و امیریکن، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۰).

جایگاه قدرت ایران در منطقه

تنوع دیدگاه‌ها درباره عناصر قدرت ملی بیشتر بیان گردید. عناصر تشکیل دهنده قدرت شامل عناصر کمی و کیفی می گردد؛ بنابراین گرچه عناصر کمی با استفاده از آمار و ارقام قابل توصیف می باشند اما عناصر کیفی قدرت قابلیت تفسیر بیشتر دارند و به آسانی قابل سنجش و ارزیابی نمی باشند. نکته محوری در تعیین قدرت ملی کشورها بیشتر به این عناصر کیفی باز می گردد. از مجموع عوامل کمی و کیفی تعیین کننده قدرت ملی، تقسیم عناصر به اقتصادی و انرژی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی و حکومتی، علمی و فناوری و ایدئولوژی مبنای بررسی و ارزیابی قدرت ملی و منطقه ای ایران در این پژوهش خواهد بود.

ایران با ۱۳۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی در رتبه سوم و با ۲۶/۳۱ تریلیون متر مکعب گاز معادل ۱۶ درصد این ذخایر، در رتبه‌ی دوم جهانی قرار دارد (رشنو، ۱۳۹۲: ۱۶۱). در پژوهشی که

1. Flemes.

بررسی و مقایسه متغیرهای کشورهای قدرتمند منطقه به لحاظ سرزمینی صورت گرفته است با برشماری هفت متغیر؛ مساحت، تراکم جمعیت به اراضی قابل کشت، میزان بارندگی سالیانه، پوشش گیاهی، شکل سرزمین، موقعیت نسبی و تراکم نسبی جمعیت، ایران پس از ترکیه در مقام دوم قرار گرفته است. پس از ایران، عربستان و مصر در رده های سوم و چهارم قرار دارند (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰).

ایران با در اختیار داشتن نیروهای مسلح قوی و همچنین حمایت مردم در قالب تشکل بسیج به نوعی سازماندهی شده است که مخالفان و معارضان را از چشم طمع به خاک این کشور محروم کرده است. نقش سپاه به عنوان موثرترین نهاد نظامی در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای آشکار است؛ نیروی زمینی سپاه مسوولیت تامین امنیت مرزها و مقابله با تروریسم منطقه‌ای، نیروی دریایی مسوولیت تامین امنیت تنگه هرمز و نیروی هوایی آن وظیفه گسترش برنامه های موشک‌های بالستیک و پهادهای نظامی را برعهده دارد و سهم سپاه قدس به عنوان نیروی برون مرزی شاخص است. همچنین ایران به لحاظ عوامل مهم و اساسی در بخش نظامی یعنی برخورداری از نیروی نظامی نیرومند و چندگانه، تاسیسات، صنایع و تکنولوژی پیشرفته نظامی و نیز روحیه قوی با تجربه کافی و انگیزه های دفاعی و در صورت لزوم اقدامات تهاجمی متناسب، این کشور را در سطح منطقه از موقعیت و شرایط ممتازی برخوردار کرده است. با بررسی متغیرهایی نظیر تعداد نیروی نظامی، بودجه دفاعی سالیانه، سهم بودجه دفاعی از تولید ناخالص داخلی، سرانه بودجه دفاعی، تعداد هواپیماهای جنگی، تعداد بالگردها، تعداد شناورهای رزمی، نسبت تعداد نیروهای مسلح به جمعیت، سلاح های استراتژیک و تجربه جنگی، ایران را با فاصله بسیار زیاد از قدرت دوم نظامی یعنی ترکیه معرفی می کند. عربستان و مصر در رتبه های سوم و چهارم قرار دارند. این در حالی است که هزینه های نظامی عربستان به

عنوان اصلی ترین رقیب منطقه‌ای ایران در سال ۲۰۱۷ پس از امریکا و چین در جایگاه سوم جهان و بالاتر از روسیه قرار گرفته است (شکوری و وزیریان، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۹).

براساس عوامل فرهنگی متغیرهایی نظیر تعداد جهانگردان، تعداد روزنامه‌ها و سرانه روزنامه، کاربران اینترنت، سرانه تلفن همراه و ثابت ایران جایگاه دوم را پس از ترکیه دارد و در زمینه اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران با جمعیتی بیش از ۸۰ میلیون نفر و نرخ رشد مناسب از بزرگترین کشورهای منطقه محسوب می‌شود. به لحاظ ویژگی‌های ملی، روحیه ملی، یکپارچگی نیز با توجه به ساختار سیاسی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به سایر کشورهای منطقه در جایگاه مطلوبی قرار داریم. در بررسی که از هشت متغیر اجتماعی برای رتبه بندی کشورهای منطقه صورت گرفته است، ایران پس از مصر و ترکیه در جایگاه سوم قرار دارد. در این بررسی علاوه بر بررسی جمعیت، امید به زندگی، مرگ و میر در بدو تولد، نرخ باسوادی، نرخ ابتلا به ایدز، درصد افراد زیر خط فقر، نسبت دینی و نسبت قومی و نژادی مورد سنجش قرار گرفته است (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۳۳).

در بررسی و مقایسه متغیرهای علمی و تکنولوژیک، متغیرهای زیر مورد تاکید است: تعداد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، تعداد اساتید، تعداد دانشجویان، نسبت دانش آموزان به جمعیت، تعداد مجله‌های علمی. با بررسی متغیرهای یادشده ایران با فاصله بسیار زیاد از ترکیه در جایگاه اول قرار دارد و به ترتیب مصر و عربستان در رده سوم و چهارم قرار دارند.

در زمینه سیاسی و حکومتی، وجود مراکز و نهادهایی مانند رهبری، ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزارت امور خارجه این امکان بالقوه را داشته است که خط مشی سیاست خارجی با تاکید بر رسالت انقلاب اسلامی، اصول و اهداف نظام، به گونه‌ای انتخاب گردد تا با توجه به توانایی‌های کشور،

حداکثر شانس موفقیت را داشته باشد. پتانسیل اعتبار بین‌المللی کشور نیز به گونه‌ای است که می‌توان گفت همواره از ظرفیت مطلوب در همراهی با معیارهای متحول جهان یعنی توسعه صنعتی، پیشرفت علمی، بالا بودن سطح زندگی و رعایت موازین اخلاق اجتماعی برخوردار است با بررسی متغیرهای حکومتی ایران با فاصله زیاد در جایگاه اول و سپس عربستان، مصر و ترکیه در جایگاه دوم تا چهارم قرار دارند (رشنو، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

۱. عوامل فرامرزی: در بررسی و مقایسه متغیرهای فرامرزی تاثیر گذار در تعیین قدرت ملی، ترکیه در جایگاه اول و امارات، عربستان و ایران به ترتیب در رتبه دوم تا چهارم قرار دارند (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۸).

در بررسی و ارزیابی کشورها در زمینه کیفی تفسیرپذیری و اختلاف نظر بسیار زیاد است و حتی این امر در تعیین قدرت کمی نیز قابل مشاهده است. یکی از پژوهشگران با رتبه بندی کشورهای جنوب غرب آسیا بر اساس عوامل هشت گانه زیر: عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، سرزمینی، علمی، اجتماعی، نظامی و فرامرزی، نشان می‌دهد که ترکیه جایگاه اول را داراست. این کشور از لحاظ عوامل اقتصادی، علمی، نظامی و فرامرزی رتبه اول، از لحاظ عوامل فرهنگی رتبه دوم، از لحاظ عوامل اجتماعی رتبه سوم و از لحاظ عوامل سیاسی و سرزمینی رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. ایران با جایگاه دوم در مجموع شاخص‌ها پس از ترکیه قرار می‌گیرد که در عوامل نظامی، اقتصادی، سرزمینی، علمی و سیاسی رتبه دوم، در عوامل فرهنگی رتبه سوم، در عوامل فرامرزی رتبه چهارم و در عوامل اجتماعی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

از دید برخی ایران حداقل در چهار حوزه راهبردی مزیت‌های نسبی در مقایسه با کشورهای منطقه دارد: ۱. امنیت سازی؛ ۲. فرایندها و روندها و شرایط سیاسی؛ ۳. انرژی، ترانزیت و بازار؛

۴. بنیان های فرهنگی - علمی و تمدنی. بنابراین به تقویت زیرساخت های لازم نیاز دارد: در حوزه خلیج فارس و دریای خزر به عنوان زیر سیستم های منطقه سند چشم انداز سیاست های مربوط به همگرایی و ائتلاف سازی با کشورهای همسایه مزیت های نسبی را برتری می بخشد. در خلیج فارس، ایران بزرگترین قدرت منطقه ای است؛ زیرا برتری توان نظامی و جمعیتی نسبت به کشورهای منطقه دارد. همچنین سلطه بر کرانه های شمالی خلیج فارس و سرمایه گذاری عظیم در جنوب کشور؛ کارخانه فولاد خوزستان، کارخانه نورد، چند کارخانه نیشکر و بزرگترین حوزه های نفت و گاز ایران در خلیج فارس می باشد و اهمیت تنگه هرمز؛ به خاطر واردات کالاهای خارجی، خروج نفت و تسلط ایران بر تنگه و تسلط ایران به طور مستمر از دوران قدیم بر خلیج فارس می باشد در دریای خزر ایران قدیمی ترین تمدن و دولت حاشیه این دریا را شکل داده و سابقه حضور تاریخی بیشتری نسبت به بقیه کشورهای ساحلی دارد. ایران همواره یکی از دو طرف اصلی قرار دادهای منعقد شده در این پهنه آبی بوده است و امروز نیز ایران پرجمعیت ترین ساحل نشینان دریا در قالب ۴ استان بزرگ در خود جای داده است.

دریای خزر در طول تاریخ در حیات طبیعی مناطق همجوار خود نقش به سزا داشته است که اهمیت اقتصادی آن بیشتر به دلایل منابع انرژی، منابع آبی و خطوط کشتیرانی مورد توجه قرار گرفته است. طرح هایی جهت انتقال منابع (نفت و گاز) حوزه دریای خزر ارائه شده است که از جمله طرح سوآپ یا مبادله: ایران با خرید نفت و گاز کشورهای حوزه دریای خزر نیاز مناطق شمالی کشور را تامین می کند و در مقابل به همان اندازه نفت و گاز در خلیج فارس تحویل کشورهای فروشنده می دهد. دومین اجلاس سران ۵ کشور دریای خزر در مهر ۱۳۸۶ در تهران مزیت های نسبی ایران در چهار حوزه راهبردی یاد شده را نشان داد (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸:

ایدئولوژی به عنوان قدرت ملی

ایدئولوژی جنبه بسیار حساس و قاطع و نافذترین جنبه سیاست است. ایدئولوژی عمل سیاسی را هدایت، پشتیبانی، محدود و متحقق می‌کند و به مثابه بزرگترین نیروی محرک عمل سیاسی مردم به کار می‌رود. از این رو ایدئولوژی است. ایدئولوژی الگوی ارتباطی ارزشها و فرضیه‌هایی است که ارتباطات سیاسی را پی‌بندی می‌کند (عالم، ۱۳۷۶: ۸۴).

در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان فراهم می‌آورد. ایدئولوژی اصول و معیارهایی در اختیار مردم قرار می‌دهد تا بر مبنای آن هرگونه انحراف و تغییر جهت مغایر با اصول پذیرفته شده را مورد قضاوت قرار دهند (قوام، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۵).

ماهیت انقلاب اسلامی ایران چارچوب هدفها و منافع ملی ایران را از سال ۱۳۵۷ تا به امروز با تعبیر و تفاسیر متفاوت ترسیم کرده است. انقلاب اسلامی ایران با قید دینی و کیفیتی متفاوت با سایر انقلاب‌های جهان بازتاب‌های مختلفی را در عرصه بین‌المللی از خود به جا گذاشته است. ویژگی‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب ایران را می‌توان در عبارات زیر خلاصه کرد:

۱. ماهیت انقلاب اسلامی ایران که با توجه به شعارها، رهبری و ساختارهای بسیج گروه و ویژگی‌ها و اعتقادات همراهان انقلاب (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۰)، ماهیتی ارزشی، دینی و فرهنگی دارد.
۲. برسازی بسیاری از مولفه‌های ارزشی، فرهنگی، و ایدئولوژی به ویژه در دوران جنگ تحمیلی. عدالت سیاسی، مقاومت اجتماعی و خوداتکایی از جمله این نشانه‌ها است.
۳. فراهم سازی جلوه‌هایی از بسیج اجتماعی، مشروعیت بخشی، وحدت ملی و افزایش روحیه ملی. «یکی از موارد مهم نقش ایدئولوژی در افزایش قدرت ملی، بسط و گسترش حوزه مشروعیت نظام سیاسی است». مشروعیت بیان‌کننده رابطه میان رهبران و افراد جامعه است.

هم چنین ایدئولوژی دارای کارکردهایی است که می تواند باعث تقویت روحیه ملی شود (قوام، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۶).

۴. چگونگی مسلط شدن گفتمان انقلاب اسلامی در رویارویی با ایدئولوژی های داخلی ایران نظیر تجددگرایان، ملی گرایان و مارکسیست ها، تبیین گر هویت و ایدئولوژی انقلاب ایران است.

۵. انقلاب اسلامی نظم لیبرالی پس از جنگ سرد را به چالش طلبید. عدم تطابق عناصر مدرنیته (نظیر اصالت فردیت انسان، عقل گرایی جهان شمول و واحد، آزادی و عدالت با تعاریف خاص غربی) با برخی ارزش های انقلاب ایران، انقلاب ایران را برای نظم بین المللی چالش برانگیز ساخت (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی ناسیونالیسم مثبت و جهت گیری مثبت و موافق ایران در چارچوب بلوک غرب جای خود را به سیاست عدم تعهد و نه شرقی و نه غربی و در اعتراض به نظام دو قطبی داد. سخنرانی های رهبر انقلاب حاکی از این گفتمان است: «از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می شد، مسیر، مسیر انبیاء بود، مسیر راه مستقیم نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی بوده و تاکنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۴۷). بنابراین ماهیت انقلاب چالشی جدی در برابر بلوک شرق که دین را افیون توده ها می دانست و دنیای غرب و مدرنیته بود. فوکو^۱ معتقد است گفتمان انقلاب اسلامی براساس دو دیگری تعریف شده است: یکی در داخل کشور که نظام شاهنشاهی یا پهلویسم نام دارد و دیگری در خارج از کشور که عرصه بین الملل و غرب سیاسی است (خوشروزاده، ۱۳۸۵: ۷۰).

1. Foucault.

تشیع به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۳۳) و مفاهیمی چون مهدویت و عاشورا همواره نسبت به ولایت ظالمان و سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و نفی داشته است. این نگاه در کنار اعتقاد به این که انقلاب اسلامی برای زمینه سازی انقلاب بزرگ مهدوی، پیگیر همان هدف‌های انقلاب جهانی موعود است، هراس غرب را از اسلام سیاسی دو چندان ساخته است. از این رو بود که اصول ایدئولوژی اسلامی ایران به مثابه معیار شناسایی در جهان طرح شد:

۱. تاکید مجدد بر اسلام به مثابه شیوه زندگی تمام عیار؛ ۲. اعتقاد به این که پذیرش الگوی غیردینی و غربی جدایی دین از دولت سرمنشاء تمام مشکلات اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع مسلمان است؛ ۳. اعتقاد راسخ به این که بازگشت قدرت و موفقیت های مسلمانان نیازمند برگشت به اسلام و حاکمیت دین الهی به جای سرمایه داری غربی و مارکسیسم و سوسیالیسم ملهم از روسیه است؛ ۴. معرفی دوباره شریعت (قانون اسلامی) به مثابه طرح اسلامی جامعه ای مطلوب که اجتماعی عادلانه و اخلاقی از مومنان است؛ ۵. تمایل به نبرد (جهاد) علیه تمام ناراستی ها، حتی اگر لازمه آن تحمل سختی ها و در صورت لزوم به شهادت رسیدن در راه خدا باشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۴۹).

اصول فوق و ماهیت دینی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی با اتخاذ استراتژی عدم تعهد و تاکید بر صدور انقلاب و تشکیل امت واحد، خروج از پیمان سنتو و حمایت از جنبش های آزادی بخش، حمایت از مظلومان و تسخیر سفارت امریکا، گفتمان مقاومت در برابر نظم لیبرالی را تقویت کرد. بنابراین ماهیت چالش گر انقلاب اسلامی به ویژه کنش های ضد امریکایی و ضد اسرائیلی تضادهای ایران اسلامی را با غرب گسترده تر و عمیق تر ساخت.

انقلاب اسلامی و چالش‌ها با نظم بین الملل موجود

وقوع انقلاب اسلامی در اواخر دهه ۱۹۷۰ دو ایدئولوژی حاکم بر نظام بین الملل را با چالش جدی مواجه ساخت؛ ایدئولوژی کمونیسم و لیبرال دموکراسی حاکم بر فضای جنگ سرد در عین تقابل، احساس خطر مشترک از موج جدید اسلام‌گرایی داشتند. به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اسلام‌گرایی چنان تهدیدی برای غرب سیاسی و ایدئولوژیک به حساب آمد که «با تهدید کمونیزم در سال‌های ۱۹۵۵ مقایسه شد» (Kotn, 2005: 154-157).

خطر انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایی به این جهت بود که اسلام به عنوان منبع مستقل قدرت در نظام بین الملل بدون تمایل به دو بلوک غرب و شرق مطرح می‌شد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۷۵). این بود که پس از فروپاشی شوروی و با توجه به ظرفیت‌های اسلام سیاسی، غرب به جای خطر سرخ کمونیستی، خطر سبز اسلامی در دنیای پسا کمونیزم را برای خود تصویر سازی کرد. جنگ تمدن‌ها و ایده‌ها در این راستا مطرح گردید. هانتینگتن از جابجایی قدرت در کشورهای اسلامی و جایگزینی حکومت‌های مخالف غرب و ضد غربی و ظهور شبه جنگ‌هایی میان گروه‌های اسلامی و گروه‌های غرب و گسترش گسل اختلافات در موضوعات خاص میان تمدنی سخن می‌گوید (هانتینگتن، ۱۳۷۹: ۱۲۴). بابت سعید اسلام سیاسی را تنها بدیلی معرفی می‌کند که توانست به مرکزیت زدایی از هژمونی اروپا محوری یا مدرنیسم غربی پردازد (سعید، ۱۳۷۹: ۴۷).

بنابراین گفتمان انقلاب اسلامی با ویژگی‌هایی چون عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و استکبار، بر نقاط مختلف جهان به ویژه کشورهای اسلامی و منطقه تاثیر شگرفی داشت؛ در خاورمیانه، آسیای شرقی و مرکزی، آسیای جنوب شرقی و افریقا این تاثیرات قابل مشاهده است. عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان، لبنان، مصر، تونس، لیبی،

مالزی، اندونزی، افغانستان، آسیای مرکزی، فیلیپین، سودان و نیجریه هر یک تحت شرایط و به میزانی تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم (اسپوزیتو، ۱۳۸۶) از انقلاب اسلامی و ایدئولوژی اسلام‌گرایی آن داشته‌اند. از این رو است که اسپوزیتو می‌نویسد: مهمترین تاثیرگذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی است (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۳۳۱).

رشد اسلام‌گرایی جدید و موج جنبش‌های مردمی جهان عرب از اوایل سال ۲۰۱۱ در تونس، مصر و... مهمترین پیامدی را که از دید بسیاری از پژوهشگران به همراه داشته است، تاکید بر تقویت ارزش‌ها و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. تحولاتی که در واقع بیش از آن که متاثر از اقدامات سیاسی جمهوری اسلامی باشد، تحت تاثیر ساختار معنایی منبعث از انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های تحول‌خواه دنیای عرب ایجاد کرده است، تعاملی که نه تنها موضع اسلام‌گرایی را در منطقه تقویت کرده بلکه گرایش بیشتر جریان‌های سیاسی دیگر را نیز به آرمان‌های اسلامی موجب شده است (عباسی و سیفی، ۱۳۹۲: ۲۴).

انقلاب اسلامی ایران با ویژگی و محتوای غیرمادی و معناگرا در قالب یک انقلاب فرهنگی و ارزشی و با گفتمان عدالت‌خواهانه، سلطه‌ستیزانه و استکبارستیزانه، عقلانیتی غیرابزاری را مدنظر قرار داد؛ از دید برخی پژوهشگران سه ویژگی غیرمادی انقلاب ایران چالش با نظم بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر کرد: ۱. ماهیت نظام سیاسی مردم‌سالار دینی؛ ۲. وجود ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به نام اسلام سیاسی و ۳. با اتخاذ استراتژی عدم تعهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۰ و ۵۲).

چالش‌های انقلاب اسلامی با نظم بین‌المللی موجود را می‌توان در حوزه‌های مختلف مشاهده کرد: حوزه فرانظری، هنجاری، ساختاری، و نهادی (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۶).

بخش‌های سناریوهای آینده قدرت منطقه‌ای ایران

سناریوها و داستان‌های مختلف بستگی به چگونگی توصیف و تحلیل بخش‌های مختلف سناریو دارد؛ این که چگونه عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران تغییرات و عدم قطعیت‌های حساس تشریح و در کنار هم قرار گیرند، داستان‌ها و سناریوهای مختلف ساخته می‌شود. در موضوع جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران، عناصر نسبتاً مشخص به استناد دیدگاه پژوهشگران و متغیرهای قدرت ملی تبیین می‌شود؛ از دید بسیاری از پژوهشگران ایران امروز قدرت اصلی منطقه آسیای جنوب غربی است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۸؛ نصر، ۱۳۹۳: ۲۵۷؛ روبین، ۱۳۹۳: ۲۴۵). جایگاه ایران از نظر متغیرهای هفتگانه و هشت‌گانه مولد قدرت ملی پیشتر تبیین گردید. به نظر می‌رسد جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران با توجه به حفظ متغیرهای مولد قدرت ملی با تغییرات جزئی حفظ می‌شود. جیمز بیل می‌نویسد: ایران تا ۲۵ سال آینده بیش از صد میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. ایران در آن زمان حضور و قدرت عمده‌ای در خلیج فارس خواهد داشت (بیل، ۱۳۹۳: ۲۴۳). در سند چشم‌انداز نیز ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه ترسیم شده است (سند چشم‌انداز ۲۰ساله ایران). همچنین متغیر ژئوپلیتیک ایران و نبود قدرت برجسته در منطقه از عناصر نسبتاً مشخص آینده قدرت منطقه‌ای ایران است. باری روبین می‌نویسد: یکی از مهمترین تحولات اوایل قرن بیست و یکم در خاورمیانه ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است و او این جایگاه را به دلیل داشته‌های ژئوپلیتیک ایران و خلاء قدرت نسبی در منطقه تحلیل می‌کند (روبین، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۶).

در زمینه نیروهای پیشران تغییرات، ایدئولوژی اسلامی، چالش گر و انقلابی ایران می‌تواند عامل تغییرات مثبت باشد؛ تاثیر مستقیم و غیر مستقیم انقلاب ایران بر کشورهای مختلف از دید اسپوزیتو پیش تر تشریح شد؛ از دید او مهمترین تاثیر گذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی است. ولی نصر نیز درباره نفوذ ایران می‌نویسد: ایران قدرت اصلی منطقه خاورمیانه است. ایران در منطقه خاورمیانه از افغانستان تا آسیای میانه، خلیج فارس و عراق درگیر است و اثبات کرده که می‌تواند حتی در مناطق دورتری همانند لبنان و فلسطین که از دیرباز حیات خلوط حکومت‌های عرب بوده اند، خیلی بیشتر صاحب نفوذ و مهم باشد(نصر، ۱۳۹۳: ۲۵۷). روین نیز درباره نفوذ ایران می‌نویسد: امروز ایران تنها قدرت بزرگ خاورمیانه است، زیرا هیچ کشور عربی نمی‌تواند این عنوان را داشته باشد. ایران نفوذش را در عراق، لبنان، فلسطین و همچنین بخش‌هایی از افغانستان گسترش داده و به تنهایی به حامی حزب الله و البته حماس و جهاد اسلامی تبدیل شده است. به طرق مختلف نیز حامی سوریه است(روین، ۱۳۹۳: ۲۵۲).

علاوه بر این توانایی‌های هسته‌ای ایران نیز جایگاه ایران در آینده را تغییر خواهد داد؛ نصر می‌نویسد: ایران افزایش توانایی‌های هسته‌ای خود را پیگیری می‌کند که آن را در وضعیتی کاملا متفاوت با اکثر همسایگانش قرار می‌دهد(نصر، ۱۳۹۳: ۲۵۷).

وجود ایدئولوژی انقلابی و چالش با نظام بین الملل و جهت گیری سیاست خارجی مستقل توام با تعامل سازنده می‌تواند به عنوان عامل تغییرات در نظر گرفته شود. داشتن متحد طبیعی در منطقه و همکاری سازنده با برخی قدرت‌های منطقه در کنار اتخاذ استراتژی تعامل سازنده همراه با چالش و رقابت(رضایی، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۱۰) می‌تواند ایران را به قدرت مسلط منطقه‌ای تبدیل کند. نبود پتانسیل‌های قوی و نیروهای پیشران قوی در سایر بازیگران منطقه به استناد نظر روین خلاء قدرت نسبی در منطقه، زمینه قدرت‌نمایی ایران را دو چندان می‌سازد.

اما عدم قطعیت‌های حساس، محل تلاقی امیدها و ترس‌ها، در ارتباط با عناصر پیشران تغییرات و عناصر نسبتاً مشخص تبیین می‌شوند. صف بندی‌های جدید سیاسی، شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف‌های غیر منتظره، گره خوردن منافع کشورها و یا گروه‌ها و جریان‌ها، روی کارآمدن افراطی‌ها و تندروها در کشورها، حوادث و وقایع خاص و غیرمنتظره هر کدام قابلیت تغییر نیروهای پیشران و عناصر نسبتاً مشخص را دارند.

بخش‌های سناریوهای قدرت ایران



ایدئولوژی اسلامی و چالشی ایران انقلابی و موضوع هسته‌ای ایران با توجه به این حوادث غیر قطعی می‌تواند مسیرهای مختلفی را ترسیم کند:

۱. حوادث غیر منتظره و صف بندی‌های سیاسی، ائتلاف‌ها و افراطی‌گری‌ها و روی کارآمدن دولت انقلابی و اصولگرا اگر تضعیف قدرت‌های مقابل ایران را به همراه داشته باشد، داستان و سناریو به سمت تقویت نیروهای پیشران قدرت ایران تغییر می‌کند.

۲. صف بندی های جدید سیاسی، ظهور نیروهای افراطی، بروز حوادث غیرمنتظره و ... در صورت تقویت جناح غرب، سناریوی تضعیف قدرت ایران را در پی خواهد داشت.

آینده قدرت منطقه ای ایران؛ تبیین سناریوها

سناریوی خوشبینانه در زمینه جایگاه قدرت منطقه ای ایران، حکایت از پیروزی ایران در عرصه ایدئولوژی و موضوع هسته ای دارد. از این دید «اسلام گرایی»، ابتدا از قلمرو فرهنگی شروع و سپس به سوی قلمرو سیاسی و اجتماعی می رود و روشنفکران و رهبران سیاسی نه می توانند آن را نادیده گیرند و نه می توانند از آن دوری کنند ... رشد فراگیر و شتابنده بیداری اسلامی، تقابل فرهنگ و معنویت اسلامی با فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب، حفظ و احیای هویت اسلامی در مقابل بی هویتی فرهنگی، تعامل ارائه الگوی مردم سالاری اسلامی با الگوی دموکراسی غرب و تقابل اسلام آمریکایی با اسلام ناب محمد(ص) و ایجاد تفکر و انسجام امت اسلامی در مقابل الگوهای لیبرال دموکراسی غرب، سکولاریسم و تفکر ناسیونالیستی از چالش های اساسی است که بیداری اسلامی به عنوان سناریوی جدید در دهه آینده پیش روی امت اسلامی قرار داده است» (حسینی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۶۵ و ۱۶۷-۱۶۸).

سناریوی خوشبینانه تقریباً هماهنگ با تصویر ترسیم شده در چشم انداز کشور در افق ۱۴۰۴ همخوانی دارد. در چارچوب این سناریو در بعد داخلی اقتصاد روند رو به رشدی پیش گرفته، نرخ تورم به مرور کاهش یافته، نظام حاکم در اداره امور داخلی و مدیریت روابط خارجی موفق عمل می کند و اتحاد بین حکومت و مردم همراه با ارتقای سطح رضایت عمومی و تقویت فرهنگ انقلابی و انتقال سنت های انقلابی به نسل های بعدی همراه است. در بعد خارجی نیز بحران اقتصادی جهان فروکش می کند و تحریم های وضع شده بر ضد ایران کاهش یافته و یا به طور

کامل رفع شده و از سوی دیگر وجه غالب جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی به سمت عدالت‌خواهی و جنبش‌های اسلام‌گرا خواهد بود (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵).

همچنین در چارچوب این سناریو با موج بیداری اسلامی و تغییر نظام‌های سیاسی منطقه و فروپاشی حکومت‌های وابسته به امریکا فرصت‌هایی برای قدرت‌نمایی ایران فراهم می‌سازد؛ پیدایش متحدانی برای ایران و افزایش نفوذ منطقه‌ای، تقویت گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان سکولار، سقوط دیکتاتوری‌های وابسته به غرب و کاهش نفوذ آمریکا و انزوای سیاسی اسرائیل و تقویت گفتمان مقاومت. در واقع از این دید بین بیداری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی یک رابطه تقویت‌کننده‌گی برقرار است؛ گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر گسترش پدیده بیداری اسلامی در آینده تاثیر گذار خواهد بود و تحولات موسوم به بیداری اسلامی نیز در آینده زمینه تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران را فراهم خواهد ساخت (هراتی، ۱۳۹۲: ۲۹۵-۲۹۹).

به نظر می‌رسد در موضوع هسته‌ای دو دیدگاه خوش‌بینانه وجود دارد:

۱. رسیدن به توافق‌نهایی و عملیاتی شدن آن بر مبنای بازی برد-برد به باور مذاکره‌کننده‌گان
۲. ایستادگی کامل و سیاست مبتنی بر آرمانگرایی تهاجمی؛ مقاومت کامل در برابر غرب و عدم اعتقاد به توافق خوب در مذاکره با غرب پیروزی ایران را به دنبال خواهد داشت.

سناریوی بدبینانه در زمینه جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران، حکایت از شکست ایدئولوژی اسلام‌گرایی و استحاله و شکست در موضوع مذاکره سودمندان و موضوع هسته‌ای دارد. از این دید همان‌طور که اوپاما و کری تاکید داشتند توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۱ امنیت رژیم صهیونیستی را تضمین می‌کند و سبب تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه خواهد شد و این کنایه از تحقق پروژه SSR (کاهش توان دفاعی) در قالب مفاد این قطعنامه است. برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ حکایت از پیدایش رخنه‌ها و منفذهای امنیتی متعددی در ساختار قدرت و امنیت

جمهوری اسلامی دارد به گونه‌ای که شمشیر دامکلووس شورای امنیت بالای سر جمهوری اسلامی قرار گرفته است. بر اساس این نگاه، برجام و متن قطعنامه موصوف امکان عملی نمودن پروژه کاهش توان دفاعی را یافته‌اند و به نوعی طرح فروپاشی از درون را پیگیری می‌کنند. در این تحلیل ترور شهید سردار سلیمانی از اثرات مذاکره با ایلات متحده است. سناریوی بدبینانه برای جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران بر این موضوع تاکید دارد که به تدریج شاهد کاهش و در نهایت درهم شکستن الگوی مکتبی و الگوی مقاومت در جامعه و سیاست خواهیم بود.

اما رویکرد ما در این پژوهش، بر مبنای سناریوی ترکیبی است؛ استمرار ایدئولوژی مقاومت و تعامل موردی با غرب با نگاه هویتی انقلاب اسلامی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی هماهنگ‌تر است. این پژوهش تاکید دارد که با توجه به جدال ایدئولوژیک و هویتی غرب و به ویژه امریکا با ایران، و اقداماتی نظیر خروج از برجام، ترور شهید سلیمانی، احیای اصولگرایی انقلابی، توافق جامع، محکم و مورد اعتماد بین ایران و غرب در زمینه موضوع هسته‌ای شکل نمی‌گیرد. مذاکرات وین (می ۲۰۲۱) به نوعی بازگشت به توافق ۲۰۱۵ می‌باشد. توافق در این حد و سطح ممکن به نظر می‌رسد اما توافق جامع و قطعی نخواهد بود. انتخابات ۱۴۰۰ و نتیجه آن از یک سو روند کنونی توافق را کند و دشوار ساخته است و از سوی دیگر روی کارآمدن دولتی انقلابی در راستای سناریوی ترکیبی بازآفرینی هویت انقلابی و حرکت نیروهای پیشران تغییر را به دنبال خواهد داشت.

با وجود شرایط موصوف، بیش از چهل سال تجربه جدال ایدئولوژیک دو طرف و نرسیدن به نتیجه مطلوب به ویژه برای غرب، و از سوی دیگر جرح و تعدیل راه‌های مختلف در ایران، سیاست خارجی آرمان‌گرایی واقع بین مبنای دیپلماسی ایران خواهد شد که براساس آن با

تاکید بر اقتدار توأم با تعامل سازنده، ضمن تعدیل ایدئولوژی انقلابی در حوزه هایی، زمینه بهبود روابط با برخی کشورهای طرفدار چندجانبه گرایی فراهم می گردد.

بنابراین در سناریوی ترکیبی «مناسبات میان جهان اسلام و غرب مسیحی به رهبری ایالات متحده پیچیده و چند بعدی» (سایکل، ۱۳۹۰: ۲۹۳) و به تبع آن روابط با غرب به ویژه آمریکا با ایران پیچیده و چند بعدی پنداشته می شود. با تعامل و مذاکرات متعدد، غرب به ویژه اروپا بیشتر متوجه سیاسی بودن پروژه اسلام هراسی و ایران هراسی می شود و به این نتیجه خواهد رسید که نظریه تهدید اسلامی یا تهدید ایرانی بیشتر یک افسانه است تا واقعیت، و با توجه به منافع اقتصادی از یک سو و از سوی دیگر فضای فرایند جهانی شدن و وابستگی متقابل سیاست مبتنی بر همکاری با تردید را با ایران پیگیری خواهد کرد. دولت پساترامپی به سیاست‌های ناکارآمد و افراطی ترامپ در مقابل منطقه و ایران پی برده است و همچنین کشورهای منطقه نیز به تدریج هماهنگ با این تغییر سیاست، تعامل سازنده در منطقه را حداقل متناسب با تغییر سیاست‌های آمریکا مبنای قرار داده اند. ایران نیز در واکنش به تردید و بی اعتمادی غرب، در راستای مذاکرات ۲۰۲۱ و با تغییر سیاست‌های دولت جدید و با بازفرینی هویت انقلابی، سیاست خارجی تعامل موردی و بخشی همراه با اقتدار و پابندی به مقاومت و اصولگرایی را دنبال خواهد کرد.

سناریوی ترکیبی: آینده قدرت ایران



نتیجه‌گیری

با اهمیت منطقه‌گرایی در دوره پساجنگ سرد، ارزیابی قدرت‌های عمده منطقه‌ای و شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌ها و ملاک‌های قدرت منطقه‌ای نیز اهمیت پیدا کرد. شناخت جایگاه امروز و ترسیم آینده قدرت‌های منطقه‌ای در این راستا مورد کنکاش قرار می‌گیرد. این مکتوب با هدف شناخت آینده جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران شکل گرفت. سناریوسازی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی برای امکان‌انکشاف آینده‌های ممکن قدرت منطقه‌ای ایران انتخاب شد. با تبیین بخش‌های سناریو قدرت منطقه‌ای ایران و با توجه به متغیرهای هفتگانه و هشت‌گانه قدرت ملی، عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران تغییرات و عدم قطعیت‌های حساس تشریح شد. سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه و ترکیبی از آینده قدرت منطقه‌ای ایران با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی، ایدئولوژی اسلام‌گرایی و مقاومت و متغیرها و شاخص‌های مولد قدرت ملی و منطقه‌ای تبیین شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از نتایج زیر است:

- ایران در جایگاه قدرت منطقه‌ای قرار دارد؛ هم به استناد متغیرهای مورد بررسی و رتبه و جایگاه ایران در هر کدام از متغیر و هم به دلیل ایدئولوژی مقاومت، ویژگی انقلابی و اعتراضی و چالش با نظم بین‌المللی لیبرالی (قدرت نرم).
- سه تصویر خوش‌بینانه، بدبینانه و ترکیبی با توجه به عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران تغییرات و عدم قطعیت‌های حساس ترسیم گردید و هر کدام از این تصاویر بیانگر بخشی از واقعیت آینده ایران است.
- با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن مناسبات ایران و غرب به ویژه آمریکا و با تامل در شکل‌گیری ادبیات جدید در ایران، بحث تلاش جهت حل و فصل موضوع هسته‌ای و توافق

و فضای پسا برجام، سناریوی ترکیبی یعنی استمرار ایدئولوژی مقاومت و پابندی به اصولگرایی اسلامی و در کنار تعامل موردی با غرب بیشتر به واقعیت نزدیک است.

- سناریوی ترسیمی در مسیر آزمون و خطا و با تغییر و تعدیل دیپلماسی به تدریج مسیر حفظ اقتدار توأم با تعامل سازنده، نوعی چندجانبه گرایی و همکاری مبتنی با تردید با غرب را پیگیری خواهد نمود.



منابع

- (۱) اساکول، پی (۱۳۸۴). روش‌های مطالعات آینده پژوهی، ترجمه سعید خزایی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.
- (۲) اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۶). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: باز.
- (۳) اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۶). نواندیشی برای هزاره ی نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده پژوهی، ترجمه عقیل ملکی فر و دیگران، تهران: موسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- (۴) اعظمی، هادی (۱۳۸۵). «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱۴۹-۱۹۳.
- (۵) افشردی، محمد حسین، سید مصطفی مدنی (۱۳۸۸). «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه)»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- (۶) امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، جلد ۱۵، تهران: عروج.
- (۷) بیل، جیمز (۱۳۹۳). «سیاست استیلا: ایالات متحده و ایران»، در کتاب: قدرت‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت نوظهور، محمد باقر خرمشاد [گردآوری]، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۸) پوستین چی (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و برسازی هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۴۹-۷۶.
- (۹) جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۸۸). «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۶۷-۹۰.
- (۱۰) چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>
- (۱۱) چهارسوقی، کمال و دیگران (۱۳۹۱). «آینده پژوهی در حوزه انرژی و ارزیابی راهبردهای مدیریت انرژی کشور، با استفاده از برنامه ریزی سناریو»، فصلنامه بهبود مدیریت، شماره ۱۸، صص ۳۳-۵.
- (۱۲) حسینی، محمد و عبدالله مبینی دهکردی (۱۳۹۲). «بیداری اسلامی: سناریوی فرهنگی منتخب جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال چهاردهم، شماره ۲۳، صص ۱۳۷-۱۷۰.
- (۱۳) خوشروززاده، جعفر (۱۳۸۵). «میشل فوکو و انقلاب اسلامی: رهیافت پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان»، پژوهشنامه متین، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۵۹-۸۶.
- (۱۴) دهقانی فیروزآبادی، جلال و رضا ذبیحی (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۷۱-۹۰.

- ۱۵) دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲). موانع ساختاری برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، در داوود کیانی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی .
- ۱۶) رشنو، نبی الله (۱۳۹۲). نگاهی به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید ژئوپلیتیک، تهران: مرکز مطالعات جهانی شدن.
- ۱۷) روبین، باری (۱۳۹۲). «ظهور یک قدرت منطقه ای»، در کتاب: قدرت های منطقه ای؛ ایران قدرت نوظهور، محمد باقر خرمشاد [گردآوری]، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸) روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران: سمت.
- ۱۹) زرقاتی، هادی (۱۳۸۸). مقدمه ای بر قدرت ملی، مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۰) سایکل، امین (۱۳۹۰). «اسلام و غرب؟»، در کتاب تصویرهای متعارض از سیاست جهان"، گرگ فرای و جاسینتا اهیگن، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- ۲۱) سعید، بابی (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام سیاسی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۲) سمیعی اصفهانی، علیرضا و علی امیر بیک (۱۳۹۰). «قدرت منطقه ای ایران و چالش های خارجی پیش روی آن»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۸.
- ۲۳) سیف زاده، حسین (۱۳۸۵). اصول روابط بین الملل (الف و ب)، تهران: میزان.
- ۲۴) شکوری، ابوالفضل، وزیران، امیرحسین (۱۳۹۸). «احیای قدرت منطقه ای ایران (۲۰۰۵-۲۰۱۷)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۸، صص ۱-۳۰.
- ۲۵) شوارتز، پیتر (۱۳۸۷) هنر دورنگری؛ برنامه ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت، ترجمه عزیز علیزاده، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۲۶) عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶). بنیادهای علم سیاست، تهران: نی.
- ۲۷) عباسی، مجید و یوسف سیفی (۱۳۹۲). «بازتاب های سازه انگارانه انقلاب اسلامی ایران بر آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام»، پژوهش های سیاست اسلامی، سال اول، شماره ۱۴، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- ۲۸) عیوضی، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۱). «جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران (با نگاهی به بیداری اسلامی منطقه)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۳۴.
- ۲۹) فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و تغییر موازنه قدرت در عرصه جهانی»، گزارش جمهور، سال اول، ش ۵۴، ۶-۱۵.

- ۳۰) فلمز، دانیل (۱۳۹۳). «مفهوم سازی قدرت منطقه‌ای در روابط بین‌الملل: درس‌های فراگرفته از مورد آفریقای جنوبی»، در کتاب: قدرت‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت‌نظهور، محمد باقر خرمشاد [گردآوری]، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۱) قوام، عبدالعلی (۱۳۷۵). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
- ۳۲) گروه مطالعات و تحقیقات راهبردی مجمع (۱۳۸۸). فناوری و قدرت ملی (چالش‌ها و راهبردها)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۳۳) گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی (شاخص‌ها و ابعاد)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع.
- ۳۴) مدنی، علی (۱۳۶۰). تئوری احتمالات، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۵) مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸). تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳۶) ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹). «ایدئولوژی و رهبری و تاثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۲۸۷-۳۰۵.
- ۳۷) ناظمی، امیر و روح‌الله قدیری (۱۳۸۵). آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، وزارت صنایع و معادن، تهران: انتشارات مرکز صنایع نوین.
- ۳۸) نای، جوزف ساموئل (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه رضا مراد صحرایی و دیگران، تهران: حروفیه.
- ۳۹) نصر، ولی (۱۳۹۳). «ایران: مدعی جدید قدرت منطقه‌ای»، در کتاب: قدرت‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت‌نظهور، محمد باقر خرمشاد [گردآوری]، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۰) نولت، دتلف (۱۳۹۳). «چگونه قدرت‌های منطقه‌ای را مقایسه کنیم»، در کتاب: قدرت‌های منطقه‌ای؛ ایران قدرت‌نظهور، محمد باقر خرمشاد [گردآوری]، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۱) هانتینگتن، ساموئل (۱۳۷۹). «موضوعات میان‌تمدنی غرب و سایر کشورها»، ترجمه زهره پوستین‌چی، نامه مفید، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- ۴۲) هراتی، محمد جواد (۱۳۹۲). «سناریوهای آینده تهامل دوسویه بیداری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۲۸۵-۳۰۲.
- 43) Kortn, James (2005). "Global Threat and American strategies from communism in 1955 to Islamis in 2002", The washington Quartery.
- 44) Makridakis (1989). stand and smil wheel wright, forecasting methods for management.

- 45) Nilsson, Nilse (1986). probabilistic logic, artificial intelligence, vol.28, No.1. Oxford english dictionary (1989). UK: Oxford university press.
- 46) Tijms, Henk (2004). understanding probabilities: chance rules in everyday life, cambridge: cambridge university press.

